

مشعل داران

کتابخانه

درس دوم: مشعل دار کوچک، قهرمان بزرگ

## درس دوم: مشعل دار کوچک، قهرمان بزرگ

### • خوش آمد گویی: ۵ دقیقه

با نوجوانان، گرم و صمیمی همراه با لبخند روبرو شوید. اگر شخص جدیدی بعنوان نو ایمان یا مهمان برای اولین بار در این جمع حضور داشت، خوشامد مخصوص در نظر گرفته شود. بطور مثال شخص جدید را به نام در جمع معرفی کنید و از نوجوانان نیز بخواهید تا خود را یک به یک معرفی کنند و یک نکته قابل توجه و جالب در مورد خودشان با سایرین در میان بگذارند.

### • گپ و گفتگوی خودمانی: ۱۰ دقیقه

در این بخش به جهت مرور جلسه گذشته (پرش از موانع) میتوانید چند سوال را از قبل طراحی کرده و از تعدادی از نوجوانان بپرسید.

هدف از این سوال و جوابها این است که نوجوانان متوجه اهمیت دروس شده و با آمادگی در جلسه حاضر شوند و همینطور قبل از شروع مبحث جدید، درس گذشته برای همه مرور شود.

در ادامه اگر برکت یا شهادتی از جلسه گذشته وجود دارد که مطرح کردنش در جمع باعث بنا و تشویق میشود را از نوجوانان بشنوید.

### • حدس زدن موضوع تعلیم

برای شروع می توانید کلیپ زیر را برای نوجوانان پخش کنید. این ویدئو ذهن نوجوان را برای حدس زدن موضوع تعلیم آماده میکند.

#### • [کلیپ](#)

از نوجوانان بپرسید:

۱- افرادی که در این ویدئو مشاهده کردید علاوه بر پشت سر گذاشتن محدودیت ها و موانعی که داشتند ، قطعاً عوامل دیگری نیز به آنها در مسیر قهرمانی کمک کرده است. به نظر شما آن عوامل چه چیزهایی میتواند باشد؟ جوابهایی که از نوجوانان خواهید شنید : شجاعت ، تلاش کردن ، سختی کشیدن ، عزت نفس و ....

۲- با توجه به کلیپی که دیدید ، این ویدئو یادآور چه ضرب المثلی می باشد؟

جواب : خواستن توانستن است

۳- اگر ضرب المثل بالا را بخواهید در یک کلمه خلاصه کنید ، آن کلمه چیست ؟

عنوانی که باید به آن برسید : کلمه خودباوری است.

### • از یکدیگر می شنویم (پیش درآمدی بر تعلیم): ۵-۱۰ دقیقه

از نوجوانان بخواهید به سوالات زیر جواب بدهند. بهتر است که همه آنها در پاسخ دادن، مشارکت داشته باشند.

۱- آیا تا به حال شده به این موضوع فکر کنید که می توانید بر زندگی کسی اثر مثبت بگذارید؟ با مثال توضیح دهید.

۲- آیا میدانستید عیسی مسیح هر کدام از ما را خوانده تا بر زندگی افراد مختلف و حتی قوم خودمان اثر گذار باشیم؟ بنظر شما چطور می توانیم بر زندگی دیگران تاثیر بگذاریم؟

## • تعلیم : ۱۵-۲۰ دقیقه

### مشعل دار کوچک، قهرمان بزرگ

در کتاب فارسی دوران ما، یک داستان خیلی جالب و زیبا وجود داشت. داستان مردی که هیچکس او را نمی دید، در یک روستای دور افتاده زندگی می کرد با این وجود شجاعت و دلیری این مرد باعث شد که جان عده زیادی نجات یابد و تبدیل به یک قهرمان شود. آیا میتوانید حس بزنیید در مورد چه داستانی میخواهیم صحبت کنیم؟

اسم این داستان دهقان فداکار بود!

داستان مرد روستایی به نام ریزعلی که وقتی از مزرعه به سمت خانه برمیگردد، متوجه می شود که قسمتی از ریل قطار به خاطر ریزش کوه مسدود شده و زمانیکه قطار به آنجا برسد از مسیر خارج میشود و کلی از انسان ها می میرند. ناگهان از دور صدای سوت قطار را می شنود. یک فکر به ذهنش می رسد پیراهنش را در می آورد و با آن یک مشعل درست می کند و به سمت قطار می رود، اپراتور قطار وقتی از دور او را می بیند قطار را متوقف می کند، کار ریزعلی باعث شد که جان عده بیشماری نجات یابد.

اغلب ما انسان ها وقتی به این فکر می کنیم که دوست داریم اثرگذار باشیم، اولین چیزی که به ذهن ما می رسد این است که ما چقدر شخص بزرگ یا مشهور یا مهمی هستیم!

چقدر بقیه ما را می شناسند، چطور از طریق دیگران معرفی شدیم یا به قول معروف پارتی داریم یا نه! خدا از افراد کوچک و شناخته نشده ایی که هیچ کس آنها را نمی شناسد و به آنها اهمیت نمی دهد استفاده می کند تا روی بقیه اثر بگذارد.

اگر تا به امروز خودت را کوچک و حقیر فرض کرده ای.

اگر در بین خانواده، فامیل، دوستان و آشنایان، مدرسه و کلیسا کسی به تو گفته: هنوز کوچکی، بزرگ نشدی؟

اگر کسی به تو گفته: این کار، انسان بزرگی را نیاز دارد؟

(با نوجوانان یک قدم عملی بردارید)

امروز دستت را روی قلبت بگذار و اعلام کن خدا من را که نوجوان هستم می بیند.

(اگر معلم صلاح می داند در این قسمت دعا کند).

مسیر قهرمانی، با عاشق عیسی شدن شروع میشود. عشق به عیسی مسیح است که تو را به سمت قهرمانی در مسیح سوق میدهد.

وقتی یک ورزشکار آرزوی بردن مدال المپیک را دارد، در واقع عاشق رشته ورزشی است که در آن فعالیت می کند.

در المپیک یک رشته ورزشی خیلی زیبا و جذابی هست که در برخی از استانهای ایران مخصوصا مازندران، لرستان، کرمانشاه و تهران طرفداران زیادی دارد.

خیلی از نوجوانان دوست دارند که در این رشته ورزشی به تمرین پرداخته، عضو تیم ملی شوند و به مسابقات المپیک راه پیدا کنند و قهرمان شوند، اسم این رشته ورزشی، کشتی است.

ورزشی زیبا ولی در عین حال خیلی سخت و طاقت فرسا، برای کسب مقام قهرمانی در این رشته ورزشی باید خیلی سخت تمرین کرد. در هر مسابقه روی تشک مسابقه باید تا آخرین لحظه هوشیار بود، ایستادگی و مبارزه کرد.

افرادی که در این رشته ورزشی فعالیت می کنند می دانند که باید تا آخرین لحظه به بهترین شکل مبارزه کنند تا مدال قهرمانی را به دست بیاورند.

وقتی یک ورزشکار عاشق کشتی است خیلی سخت تمرین می کند، خیلی سخت رژیم می گیرد، به حرف مربی خوب گوش میدهد، شاید جایی که دوست دارد نمی رود، خیلی از چیزهایی را که دوست دارد نمی خورد، می داند چرا؟ چون عاشق ورزشی است که انجام میدهد و هدفش تنها قهرمان شدن در المپیک است.

وقتی به کتاب مقدس هم نگاه می کنیم در یکی از رسالات، ایماندار به یک ورزشکار تشبیه شده که مبارزه می کند تا آن مدال را به دست بیاورد و با کمک عیسی مسیح بر این دنیا پیروز شده و مدال قهرمانی را از عیسی مسیح دریافت کند.

حتی در مسابقات هم گاهی افرادی پیروز میشوند و مدال را به دست می آورند که کسی از آنها توقع ندارد یا به آنها توجه نمی کند و بعد از اینکه آن شخص قهرمان شد اینطور می گویند؛ او یک پدیده بود!

### هشدار

برای قهرمان شدن باید زحمت بکشی، قهرمان شدن فقط با خیال پردازی و رویا پردازی میسر نمی شود، بلکه تمرین و درد و رنج به همراه دارد.

### شخصیت کتاب مقدس: الیشع

در کتاب مقدس داستان های زیادی از افراد مختلف آمده اما در یکی از داستان ها ما با یک نوجوان روبرو می شویم که هیچکس او را نمی شناسد و شخص بزرگ و شناخته شده ای نیست. هیچکس به او توجه نمی کرد و احتمالاً جزء کوچکترین عضو خانواده بود و کارهایی را که کسی انجام نمی داد و یا سخت بود به او می سپردند. ولی در آخر او قهرمان شد و خدا از طریق او کارهای بزرگ و زیادی انجام داد.

الیشع پسر شافاط و از اهالی آبل مَحْوَلَه در انتهای شمالی اردن و در نزدیکی جنوب دریای جلیل بود، اسم او به معنای «خدا نجات است». او شاگرد و همراه ایلیای نبی بود، احتمالاً از خانواده توانگر و خدا ترس بوده و نسبتاً باید مرد جوانی بوده باشد.

پس، ایلیا از آنجا رفت و الیشع پسر شافاط را یافت که از پی دوازده جفت گاو نر زمین را شخم می زد و خودش با جفت دوازدهم بود. ایلیا از الیشع گذشته، ردایش را بر او افکند. (اول پادشاهان ۱۹:۱۹)

بعد از ایلیا او نبی قوم اسرائیل بود و معجزات زیادی خدا از طریق او انجام داد؛

- معجزه شفای آب با ریختن یک کاسه نمک در آن (دوم پادشاهان ۲: ۱۹-۲۲)
- روغن بیوه زن (دوم پادشاهان ۴: ۱-۷)
- زنده شدن پسر شونمی (دوم پادشاهان ۴: ۸-۳۷)
- سالم شدن غذای داخل دیگ (دوم پادشاهان ۴: ۳۸-۴۱)
- طعام دادن به یکصد نفر (دوم پادشاهان ۴: ۴۲-۴۴)
- شفای یک فرمانده آرامی (دوم پادشاهان ۵: ۱-۱۴)
- شناور شدن تیغه تبر (دوم پادشاهان ۶: ۱-۷)

در کلیسای ایران هم شخصی وجود داشت که در نوجوانی از لحاظ جسمی شخص ضعیفی بود، خیلی اوقات به خاطر اینکه شخص ضعیفی بود، هیچکس او را نمی دید و شاید به او توجه نمی کرد.

شهید مهدی دیباج همان کسی است که همیشه عاشق خدا بود. (طبق شهادت خود ایشان)

### مختصری از زندگی نامه شهید کشیش مهدی دیباج

مهدی دیباج روز ۱۴ مرداد ۱۳۱۳ برابر ۵ ماه اوت ۱۹۳۴ میلادی در اصفهان به دنیا آمد.

زمانیکه شش سال داشت، دایی او در بیمارستان مسیحی اصفهان آپاندیسش را عمل کرده بود، او به همراه مادرش برای عیادت به بیمارستان می روند بعد از ظهر زنگ کلیسا به صدا درمی آید و یک پرستار مردم را تشویق می کند تا برای عبادت خدا به کلیسا بروند. در موقع بیرون آمدن از کلیسا یک جزوه کوچک به او دادند، اسم آن جزوه این بود؛ خدا تکلم فرمود. در ۱۲ سالگی جزوه خدا تکلم فرمود را بارها خواند تا حفظ شد و کلام خدا در دل او بذر محبت کاشت و از ۱۴ سالگی عاشق مسیح شد. از آن پس در زندگی یک هدف داشت، به عیسی مسیح دسترسی پیدا کند و مسیحی شود. در نوجوانی قلب خود را به خداوند ما عیسی مسیح سپرد.

روز اول ژانویه ۱۹۵۴ تعمید و عشاء ربانی گرفت و عضو کلیسا یعنی جزء بدن مسیح شد و یک ماه بعد حدود ساعت ۱۰ شب دیگر او را به خانه راه ندادند و مجبور شد به تهران برود.

چندین سال بعد برای ادامه تحصیلات به هندوستان و سویس مسافرت کرد؛

- در افغانستان در موسسه ی ناینایان مشغول تدریس شد و بعضی از شاگردان ایشان تا سطح دانشگاه به تحصیل ادامه دادند از آن میان می توان به برادر عزیزمان ضیا نصرت اشاره نمود که به خاطر عشق و ایمانش به مسیح خداوند، شهید شد.
- در ضمن انجیل مرقس را به زبان دری ترجمه نمودند.
- در شهر قروه کردستان خدا را در بیمارستان مسیحی قروه خدمت نمودند.
- در کلیسای اهواز و آبادان که خدمت می کردند، در آنجا دعوت شدند تا کتاب مقدس تفسیری را ترجمه کنند و برای شرکت در سمینار ترجمه ی کتاب مقدس به بیروت رفتند.
- در بابل هم در دانشگاه فنی بابل به تدریس زبان انگلیسی پرداختند و هم کتاب مقدس تفسیری را ترجمه می کردند.
- نه سال را صرف ترجمه کتاب مقدس تفسیری کردند و بعد به تهیه کتاب های کانون شادی پرداختند.
- مدت پنج سال در کتابفروشی مسیحی خدمت کردند.
- در پاییز ۱۹۶۴ برای ادامه تحصیل به لبنان، دانشکده خاورمیانه بیروت رفتند.

او در سال ۱۹۸۴ میلادی برابر با ۱۳۶۴ شمسی دستگیر و به جرم ارتداد روانه زندان ساری گردید. وی پس از گذراندن ۹ سال و ۲۷ روز در زندان به سبب فشارهای بین المللی و بدون کوچکترین توضیحی در ۲۶ دی ماه ۱۳۷۲ از زندان آزاد شد.

بیشتر از ۵ ماه از آزادی مهدی دیباج نگذشته بود که در تیرماه ۱۳۷۳ و زمانی که او برای مراسم جشن تولد دخترش عازم زیبادشت کرج بود، در راه ناپدید و سپس جسد تکه تکه شده اش پیدا شد.

### قهرمان کسی است که بر تاریخ قوم و مردمش اثر گذار میشود.

بیایید امروز ببینیم که چطور می توانیم در مسیح عیسی تبدیل به قهرمانانی تاثیر گذار شویم.

افراد قهرمان در تاریخ کتاب مقدس، با کمک خداوند، بر تاریخ قوم و مردمانشان اثر گذاشتند و باعث جلال نام خدا شدند.

چنانکه یک قهرمان المپیک نیز باعث بالا رفتن پرچم کشورش میشود و در تاریخ کشورش اثر گذار میشود.

## گفتگو

آیا امروز قصد دارید همان نوجوانی باشید که خدا از شما استفاده میکند تا روی خانواده، کلیسای محلی و قومتان اثر گذار باشید؟ چطور؟  
چند روش عملی در این راستا ذکر کنید.

### پل های پشت سرت را خراب کن:

در مسیر قهرمانی راهکارهای عملی فراوانی وجود دارد که به بررسی برخی از آنان می پردازیم. پل های پشت سرت را خراب کن یعنی:

#### • مثل گذشته زندگی نکن

الیسح این کار را انجام داد، او کوچکترین عضو خانواده بود که در مزرعه کار می کرد، وقتی مرد خدایی او را صدا زد برای اینکه به گذشته خودش برنگردد ابزار کارش را سوزانید.

الیسح گاوان را رها کرده، از پی ایلیا دوید و گفت: «بگذار پدر و مادرم را ببوسم و سپس از پی تو آیم.» ایلیا به وی گفت: «برو، زیرا مگر با تو چه کرده‌ام؟ پس ایسح از عقب او بازگشت و جفتی از گاوان را گرفته، ذبح کرد و گوشت را با ابزار شخم پخته، به مردم داد و خوردند. آنگاه برخاسته، از پی ایلیا رفت و به خدمت او مشغول شد.

(اول پادشاهان ۱۹: ۲۰-۲۱)

می دانید چرا؟

تا دیگر مثل گذشته اش زندگی نکند.

تا دیگر کارهایی رو که در گذشته انجام می داد، انجام ندهد.

امروز تو هم مثل الیسح تصمیم بگیر که پل های پشت سر خودت را خراب کنی تا مثل گذشته ات زندگی و رفتار نکنی، کارهای گذشته را انجام ندهی.

یک جمله بسیار زیبا از کشیش مهدی دیباج:

در دلم تمام پل های پشت سر خود را می سوزاندم تا راه بازگشت نداشته باشم.

#### • حرف های منفی دیگران را نسبت به خودت باور نکن

شده تا به حال در زندگی بعضی از این جملات را شنیده باشید؛

تو هیچی نمیشوی؟

از تو هیچی در نمی آید؟

عرضه انجام هیچ کاری را نداری؟

آخر یک کارگر ساده می شوی؟

بچه فلانی را دیدی؟

و از این قبیل جملات که امکان دارد از پدر و مادر، آشنایان، معلمین مدرسه و حتی در کلیسا شنیده باشیم.

صحبتهای منفی ای که دیگران بر زندگی شما اعلام کرده اند که گوش و ذهن شما را پر کرده است را دور بریز.

این اعلانات مانند پل هایی است که تو را مدام به گذشته و خاطرات تلخ و بد قدیمی می رساند.

اگر پل های قدیمی که در پشت سرتان هست را خراب نکنید در تمام سختی ها و مشکلات و لحظات خوب و شیرین، یادآوری این پل ها باعث میشود تا در مشکلات و جنگ های زندگی تسلیم شوید.

الیس با خدا قهرمان شد و بر تاریخ قوم یهود اثر گذاشت.

برادر مهدی دیباج با خدا قهرمان شد، بر بیداری کلیسای ایران اثر گذاشت.

امروز شما هم می توانید در مسیح عیسی قهرمان شوید و بر خانواده، قوم و کشورتان تاثیر گذار باشید. تنها اگر بر خود باور داشته باشید و از منظر خدا بر خود نگاه کنید و با خراب کردن پلهای پشت سرتان یعنی باز نگشتن به اعمال و عادات گذشته و باور نکردن اعلانات منفی روی خود، مسیر قهرمانی را پیموده تا نه تنها مدال آوران بلکه مشعل داران المپیک زندگی باشیم

## • قدم عملی: ۱۰ دقیقه

از نوجوانان خود بخواهید که قدمهای عملی زیر را انجام دهند.

۱- روی یک تکه کاغذ بنویسید که چه خصوصیت اخلاقی یا رفتاری، عادت رفتاری یا شخصیتی در شما بوده و یا حتی هم اکنون نیز در زندگی شما وجود دارد که وقتی تصمیم می گیرید تغییر کنید و یا در مسیر موفقیت قدم بردارید بعد از مدتی دوباره آن را انجام می دهید؟

۲- بعد از نوشتن روی کاغذ، آن مواردی را که فکر می کنید از همه مهم تر است و بر زندگی شما بیشترین تاثیر را دارد با ماژیک برای خودتان مشخص تر کنید!

۳- برای آن موضوعات هر روز دعا کنید و در مطالعه کتاب مقدس روزانه تان سعی کنید آیاتی را که مربوط به این موضوع هستند پیدا کنید و هر روز مطالعه کنید.

۴- دقت کنید اگر تنها نتوانستید بر این عادات غالب شوید و دوباره آن ها را انجام دادید، با معلم نوجوانان و یا شبان کلیسا صحبت کنید و از آنها کمک بخواهید.

۵- در طول این هفته یک یا چند هدف خود را که مدتهاست به دلیل اینکه فکر میکردید توانایی انجامش را ندارید کنار گذاشته بودید، یادداشت کنید و از بین آنها مهمترین را انتخاب کرده و سعی کنید تا با شروع دوباره در مسیر رسیدن به هدف خود با جدیت پیش بروید.

## • آیه کلیدی برای حفظ کردن: ۲ دقیقه

از یکی از نوجوانان بخواهید که آیه را بلند و شمرده از روی کتاب مقدس قرائت کند سپس نوجوانان را تشویق کنید تا گروهی یا انفرادی آیه را حفظ کنند.

پس چون چنین ابری عظیم از شاهدان را گرداگرد خود داریم، بیایید هر بار اضافی و هر گناه را که آسان به دست و پای ما می پیچد، از خود دور کنیم و با استقامت در مسابقه ای که برای ما مقرر شده است، بدویم.

عبرانیان ۱۲: ۱

## • دعا و پرستش: ۵-۱۰ دقیقه

• [گر طوفان آید و جانم ترسان شود](#)

## • بازی: ۱۰-۱۵ دقیقه

### من کی هستم

بازی به این صورت است که ابتدا عکس مات مشاهیر را روی صفحه نمایش می‌دهید و از نوجوانان بخواهید که حدس بزنن که آن عکس متعلق به کدام شخصیت معروف است و بعد از آن تصویر واضح را نمایش دهید.

میتوانید در صورت تمایل برای برنده بازی جایزه در نظر بگیرید و با خلاقیت خودتان به نوجوانان جایزه دهید.

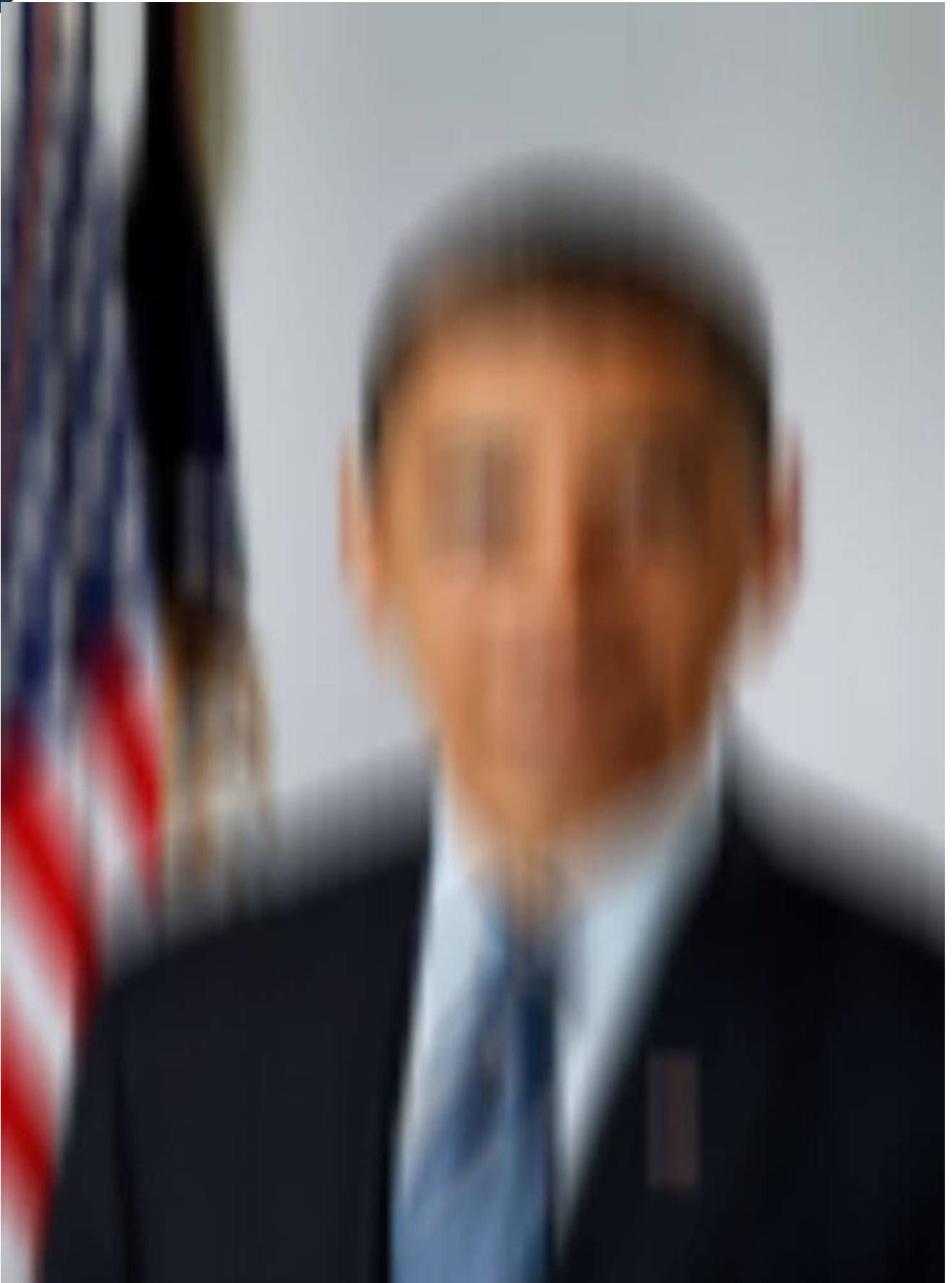






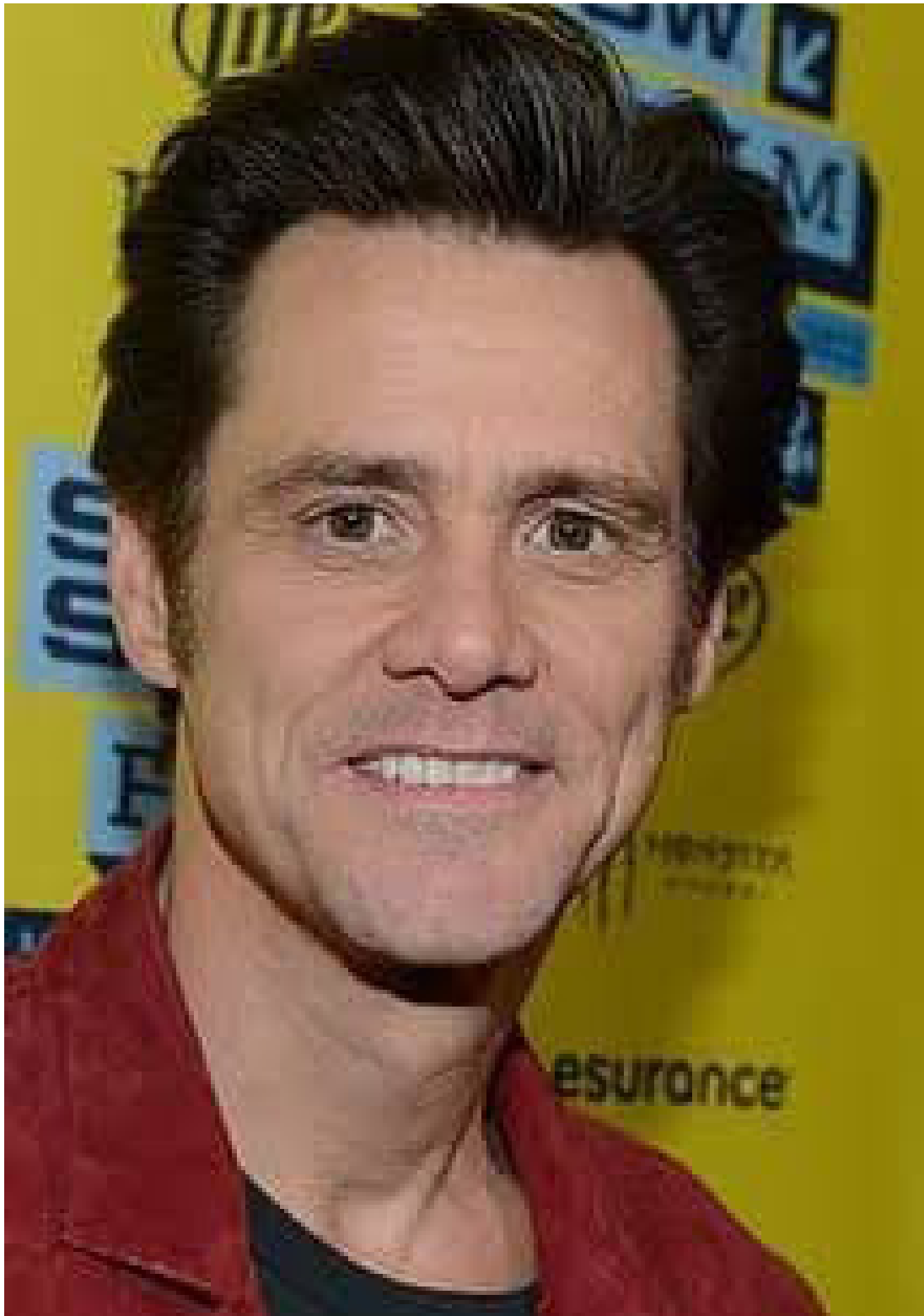


















HarfeTaze.com